

به نام خدا

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

کلیدهای تربیت فرزند قدرشناس

در فرهنگ "از خودراضی" امروزی

امی مک کریدی

مترجم: اکرم کرمی

www.saberinbooks.ir

فهرست مطالب

۵	سخن ناشر.....
۷	مقدمه.....
۹	فصل ۱. کودکان حکومت می‌کنند. آیا باید چنین باشد؟.....
۳۳	فصل ۲. تسلیم شدن والدین.....
۶۸	فصل ۳. کودکان ناتوان نیستند.....
۱۰۷	فصل ۴. مراقبت افراطی.....
۱۴۷	فصل ۵. ایجاد محیطی پیامدمحور.....
۱۸۶	فصل ۶. آرزوهای معقول.....
۲۱۵	فصل ۷. اشکال تشویق و پاداش.....
۲۳۵	فصل ۸. برخورد عاقلانه با پول.....
۲۶۲	فصل ۹. شبکه‌های اجتماعی و چشم‌وهم‌چشمی.....
۲۸۴	فصل ۱۰. پایان دادن به خودمحوری.....
۳۱۱	فصل ۱۱. اشکال ندارد خاص نباشیم.....

خریدنده استفاده کرده است که برای عموم مددکاران و پسران جوان قابل استفاده خواهد بود.

سخن ناشر

خواننده محترم، کتاب پیش روی شما یک جلد از **کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان** است.

کتاب‌های این مجموعه، با وجود ارتباط موضوعی، هریک از نظر مطلب مستقل‌اند. آمادگی برای زایمان، روش‌های مناسب و صحیح شیردادن، تولد فرزند دوم، نقش پدر در تربیت کودک، پرورش کودک تیزهوش، آموختن به کودکان درباره خدا، سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، پرورش فرزندان امیدوار و موفق، کلیدهای رفتار با نوجوانان و نیز مطالب متنوع و جالب دیگری که به روش‌ها و مشکلات تربیتی کودکان و نوجوانان تا سنین بلوغ می‌پردازد، موضوع کتاب‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

روش نویسندگان این کتاب‌ها، آموزش شیوه‌های عملی به والدین است. در نتیجه، هر کتاب از فصل‌های متعددی تشکیل شده است که هر فصل به توضیح یک روش کلیدی می‌پردازد. مجموعه **کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان**، علاوه بر پشتوانه علمی و معتبر خود، از زبانی ساده برای توضیح مطالب و انتقال آن‌ها به خواننده استفاده کرده است که برای عموم مادران و پدران جوان قابل استفاده خواهد بود.

مقدمه

وقتی به فرزندان خود نگاه می‌کنیم چه می‌بینیم؟ منبعی سرشار از قدرت تخیل، انرژی و اراده. در واقع آن‌ها از این توان بالقوه برخوردارند که در بزرگسالی بر محیط پیرامون خود اثرگذار باشند، اما این روزها نیرویی وجود دارد که نه تنها قدرت تخیل، انرژی و اراده‌شان را از آن‌ها می‌رباید بلکه توان شکوفایی و غنای زندگی‌شان را به ضعف می‌کشانند. این نیرو همان احساس «استحقاق داشتن» است، به این معنا که شخص احساس کند زندگی به او بدهکار است. کودکان امروزی در هر سنی که باشند تصور می‌کنند این حق آن‌هاست که بدون کار و تلاش از بهترین‌های زندگی برخوردار شوند و این وظیفه والدین است که در خدمت هوس‌های آن‌ها باشند و پیوسته راه را برای موفقیت آن‌ها هموار سازند. آنان تصور می‌کنند دنیا حول محور آن‌ها می‌چرخد. البته زمانی که به هر طرف نگاه می‌کنیم یک سلفی می‌بینیم باید هم این‌طور باشد. حقیقت این است که کودکان از خودمتشکر امروز همان بزرگسالان از خودمتشکر فردا خواهند بود، با همان نگرش‌های کودکانه، منتهی در مقیاسی بزرگ‌تر. این مسئله، مشکل بزرگی است زیرا کودکانی که حق خود می‌دانند همیشه حرف اول را بزنند، نمی‌توانند با بداقبالی‌های زندگی واقعی کنار بیایند. وانگهی زندگی کردن با این افراد نیز به‌غایت دشوار است.

البته پایان داستان کودکان شما این نیست که الزاماً فردی از خودمتشکر